

صبحی زندگان

قصیده‌های دههٔ اوّل و دوّم انقلاب اسلامی

www.ketab.ir

با مقدمهٔ استاد مشفق کاشانی

به کوشش: مرتضی نوربخش

نوربخش، مرتضی، ۱۳۴۲ - گردآورنده. صبحی زندگان: قصیده های دهه اول ودوم انقلاب اسلامی / به کوشش مرتضی نوربخش، با مقدمه مشفق کاشانی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۰. ۳۱۶ص. ۰۰۰۰: نال: X - 461 - 335 - 964 ISBN
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. ۱. شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها. ۲. قصیده - مجموعه ها. ۳. شاعران ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه. الف. کی منس، عباس، ۱۳۰۴ - مقدمه نویس. ب. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ج. عنوان.

۸۶۱ / ۶۲۰۸

PIR ۴۱۹۰ / ۸۷۲

محل نگهداری:

۱۵۵۲۶-۸۰

کتابخانه ملی ایران:

کدام ۱۲۸۵



مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

□ صبحی زندگان - قصیده های دهه اول و دوم انقلاب اسلامی

○ با مقدمه: استاد مشفق کاشانی

○ به کوشش: مرتضی نوربخش

○ ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

○ حروفچینی: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

○ لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

○ نوبت چاپ: این کتاب در سال ۱۴۰۳ - ۵۰۰ نسخه

○ قید



101016000200008

روشگاه مرکزی

صبحی زندگان

مراکز پس } حیاتان انقلاب، بین فروردین و فخر رازی، فروشگاه عروج

} حرم مطهر حضرت امام (ره)، ضلع شمالی

تلفن: ۶۷۰۱۲۹۷ - ۶۷۰۶۸۳۳ - ۶۴۰۴۸۷۳

فاکس: ۶۴۰۰۹۱۵

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۹	امیری فیروزکوهی
۱۱	ذکر حق
۲۴	ای وطن
۳۱	مهرداد اوستا
۳۴	حماسه پیروزی
۴۲	حماسه شهید
۵۳	خورشید خاور
۶۰	بخت خواب فرسا
۶۸	بخت دریا
۷۶	آفرین محمد(ص)
۸۷	عباسعلی براتی پور
۸۸	غدیر
۹۲	مظهر شجاعت (برای حضرت ابوالفضل «ع»)
۹۵	جاء الحق (برای ورود امام خمینی(ره) به وطن)
۹۹	امامت عشق (در میلاد حضرت امام رضا «ع»)
۱۰۳	احمد کمال پور «کمال»
۱۰۴	طلوع فجر آزادی
۱۰۹	صدای شهادت

- ۱۱۵ مرتضی امیری اسفندقه
- ۱۱۶ قصیده‌واره داغ (به شهید مفقودالآثر فرهاد امیری اسفندقه)
- ۱۲۱ سپیده کاشانی
- ۱۲۲ پرچم خورشید
- ۱۲۵ سید علی اصغر صائم کاشانی
- ۱۲۶ یار می آید
- ۱۲۹ محمدعلی مردانی
- ۱۳۰ ماه فروزان به برج دانش و عرفان
- ۱۴۰ جنگ تحمیلی
- ۱۴۹ به مناسبت سالگرد هفته جنگ تحمیلی عراق بر ایران اسلامی
- ۱۵۷ حمید سبزواری
- ۱۵۸ تهنیت به رهبر
- ۱۶۸ در حریم وحی
- ۱۷۶ جوهر پیکار
- ۱۸۲ ظهور دولت حق
- ۱۹۱ محمود شاهرخی «جذب»
- ۱۹۲ بهار بهمن
- ۲۰۱ سرخوشان بزم وصال
- ۲۰۵ چشم و چراغ حکمت (در سوگ شهید مطهری)
- ۲۱۰ فروغ ایزدی
- ۲۱۶ بر موج حادثات
- ۲۲۳ قدرت الله شباب
- ۲۲۴ فروغ جاویدان

۲۳۰	معیار عقل و عشق
۲۳۷	بهمن صالحی
۲۳۸	بهار توحید
۲۴۵	قادر طهماسبی «فرید»
۲۴۶	علی و شهادت
۲۵۰	حریق حنابندان
۲۵۵	سید حسن ثابت محمودی «سهیل»
۲۵۶	دریا (به نیت تیمن و تبرک برای مولی الموحدین علی «ع»)
۲۶۱	اشک خورشید
۲۶۵	عباس مشفق کاشانی
۲۶۷	نیمه شعبان
۲۷۴	جنگ تحمیلی
۲۸۵	ای روح خداوند
۲۹۲	حماسه فروردین
۳۰۰	بالاتراز سیاهی
۳۰۵	رحمت موسوی گیلانی
۳۰۶	گزارش
۳۱۱	محمدکاظم یوسف پور
۳۱۲	سوگ جگرسوز (در رثای امام خمینی «ره»)

قصیده و قصیده‌سرایی

قصیده یا چکامه نوعی از شعر است که بیشتر در وعظ و حکمت یا حماسه یا در مدح یا ذمّ کسی یا چیزی ساخته و پرداخته می‌شود، دو مصراع بیت اول آن با مصراعهای دوم سایر ابیات دارای یک قافیه است، به عبارت دیگر قصیده از نظر لغوی مأخوذ از قصد و در اصطلاح ادبی قسمتی از شعر است که از چهارده یا شانزده بیت بیشتر باشد، تعداد ابیات قصیده را بعضی نامحدود ذکر کرده و به نظر گوینده موکول داشته‌اند و بعضی تعداد ابیات را بیشتر از یکصد و بیست بیت جایز دانسته‌اند، گرچه فزونی و یا کمی تعداد ابیات بستگی به موضوع قصیده و اقتضای حال و مقام و حوصله و توانایی گوینده و به خصوص حروف قافیه دارد، گاهی قصاید به دویست بیت و در صورت بسط و توسعه قوافی به زیاده از آن نیز بالغ گشته است، همانند قصیده معروف فرخی سیستانی با مطلع معروف:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

سخن نو آر که نور را حلاوتی است دگر

از قصاید مطول زبان فارسی و متضمن یکصد و هفتاد و پنج بیت است و نیز قصیده معروف عنصری که با همین وزن و قافیت است، در شرح فتوحات محمود غزنوی و با این بیت آغاز می‌شود

ایا شنیده هنرهای خسروان به خبر
 بیا ز خسرو مشرق عیان ببین تو هنر
 این قصیده دارای یکصد و پنجاه و هفت بیت است، شاید بتوان گفت
 طولانی‌ترین قصیده فارسی متضمن سیصد و سی و هفت بیت در ستایش
 حضرت علی مولای متقیان (ع) است دربارهٔ فتح خیبر با مطلع:

سحر چو زمزمه آغاز کرد مرغ سحر
 بسان مرغ سحر از طرب گشودم پر

از قآنی شیرازی شاعر دورهٔ قاجار قصیده محدود به وزن خاصی
 نیست لیکن چون مبنای قصیده غالباً بر موضوعات فخیم و مطالب عالی و
 پر هیمنه است اوزان و بحوری که اینگونه مطالب در آن ریخته می‌شود
 طبعاً باید با موضوع خود هم‌آهنگ باشد. قصیده یکی از مهمترین ذخایر
 فکر و ادب فارسی است، زیرا تقریباً بر کلیهٔ موضوعات ادبی از مدح و
 تقاضا و مطایبه و شکوه و اعتذار و حکمت و اخلاق و مناظره و مفاخره و
 مهاجرات و معارضه و لغز و معما و حسب حال و وکیل و معاشقه و مرثیه
 و تاریخ اشمال دارد، البته اختصاص آن در درجهٔ اول به مدح و متفرعات
 آنست و چون از آن بگذریم نوبت به توحید و مباحث اخلاقی و حکمی
 می‌رسد و گاهی نیز قصایدی منحصرأ مربوط به موضوعی خاص در
 دیوان شاعران یافت می‌شود، در اینگونه قصاید معمولاً شاعر از همان
 ابتدا به شرح موضوع می‌پردازد و تا پایان قصیده مطلب را دنبال می‌کند که
 نمونهٔ این قصاید را بیشتر می‌توان در آثار شاعرانی که بعد از نهضت
 مشروطیت به این طرف تا دوران انقلاب شکوهمند اسلامی ایران قصیده
 سرایی کرده‌اند مشاهده کرد، همانند قصاید وحید دستگردی، محمدعلی
 نجاتی، دکتر کاسمی، دکتر حریری، بدیع‌الزمان فروزانفر، صادق سرمد،

محمود منشی کاشانی، محمدعلی ناصح، و عده‌ی دیگری و یا چون ملک‌الشعراء بهار با قصایدی چون جغد جنگ، دماوند و دهها قصیده دیگر. دکتر رعدی آذرخشی با قصیده‌نگاه، دکتر مظاهر مصفا، امیری فیروزکوهی و مهرداد اوستا، محمود شاهرخی، حمید سبزواری موسوی گرمارودی با قصایدی ازین دست که به منظور اجتناب از اطاله کلام از آوردن نام و قصاید همه نامداران قصیده‌سرا خودداری می‌شود، در تأیید مطالب بالا که در مورد قصیده و خصوصیات آن برشمردیم، نوشته استاد جلال‌الدین همائی را نیز می‌آوریم و سپس اشارتی گذرا داریم به ویژگیهایی که شاعران گذشته در قصیده رعایت آن را لازم می‌شمرده‌اند: «قصیده قطعه شعری است مانند غزل شامل ابیاتی متحدالوزن که همه آنها و هم چنین مصراع اول آن دارای یک قافیه است. قصیده از غزل درازتر است و گوینده در تمام آن موضوعی از موعظه و حکمت و مدح و مسائل اجتماعی و دینی و غیره را مورد بحث قرار می‌دهد و شاید از آن جهت آن را قصیده گفته‌اند که در ساختن آن منظور متین قصد شده است، زیرا قصیده از قصد مشتق است، قصیده غالباً با تشبیب و وصف طبیعت و امثال آن آغاز می‌شود»

تغزل. نسیب، تشبیب

در اغلب قصاید که در مدح سروده شده است قبل از اینکه شاعر وارد موضوع اصلی شود نخست مقدمه‌ای ایراد می‌کند، این مقدمه را که تغزل می‌گویند بین پنج و پانزده بیت و گاهی به سی و چهل بیت که میزان قصیده متوسطی است بالغ می‌گردد. اگر مقدمه مذکور درباره‌ی موضوعات عاشقانه و وصف مجالس نشاط باشد آن را تغزل و یا نسیب گویند و اگر راجع به مطالب دیگری همانند وصف بساتین و ریاحین و فصول

چهارگانه و طلوع و غروب آفتاب و وصف شب و مناظر دیگر طبیعت و یا شکایت و مفاخره و لغز و امثال آن باشد آن را تشبیب گویند.

گاهی نیز شاعر در پایان قصیده قبل از اینکه به دعای ممدوح بپردازد غزلی با مطلع مصراع تضمین می‌کند تا شنونده را از کسالت و خستگی بدر آورد و اثری نیکو از استماع قصیده در خاطر باقی گذارد از میان شاعران پیشین مجیرالدین بیلقانی و فلکی شیروانی به این شیوه راغب بوده‌اند:

فلکی شیروانی در پایان قصیده‌ای با این مطلع:

سپهر مجد و معالی محیط نقطه عالم

چراغ جود و معانی چراغ دوده آدم

غزلی با این مطلع ساز می‌کند:

کجا شد آنکه مرا جان بدو سدی خوش و خرم

که تا شد او، دل و چشمم تباه شد زغم زخم

و نیز از شاعران دوره قاجار فتحعلی خان صباحی در پایان قصیده‌ای با این

مطلع:

به چاه باختر چون یوسف خورشید شد پنهان

زلیخای فلک را اشک انجم ریخت بر دامان

غزلی با مطلع زیر تضمین کرده است:

چو فریاد و فغانم ره ندارد در دل جانان

کنم افغان زفریاد و کنم فریاد از افغان

سخن‌سنجان قدیم معتقد بودند تغزل و تشبیب باید لایق مقصود و مناسب با حال و مقام ممدوح باشد، مثلاً تشبیبی که حاکی از شکایت و حسب مال و مفاخره و موضوعاتی مثل آن است لایق قصیده‌ای که جهت

عرض تهنیت و شادباش عید ساخته شده نیست و یا تغزلی که اساس آن بر لهو و لعب و ذکر مراتب عشرت طلبی است در خور قصیده‌ای در مدح یک پیشوای مذهبی و پرهیزگار نیست، برای نمونه تغزلی شیوا و زیبا از فرخی سیستانی نقل می‌شود:

خوشا عاشقی، خاصه وقت جوانی

خوشا با پری چهرگان زندگانی

خوشا با رفیقان یکدل نشستن

بهم نوش کردن می ارغوانی

به وقت جوانی بکن عیش زیرا

که هنگام پیری بود ناتوانی

جوانی و از عشق پرهیز کردن

چه باشد جز از ناخوشی و گرانی

جوانی که پیوسته عاشق نباشد

دریغ است از او روزگار جوانی

در شادمانی بود عشق خوبان

بباید گشادن در شادمانی

تخلص یا گریز:

تخلص یا گریز انتقال از نسیب و تشبیب است به اصل مقصود و این امر بر وجهی باید انجام گیرد که موضوع دوم به مثابه جزء و تالی موضوع اول تلقی شود و مستمع از شدت ارتباط موضوعین و مهارت در انتقال متوجه انحراف موضوع نشود، شاعر باید آنچه از ابتکار و قدرت بیان و لطف طبع در قوه دارد در ایراد تخلصی لطیف و بدیع به کار برد تا به قول صاحب المعجم «نقل از نسیب و تشبیب به آنچه مقصود است بر وجهی

جمیل و شیوه‌ای مناسب انجام گیرد»
 از تخلصات بدیع فرخی سیستانی گفته است:
 کنون سپیده دمان فاخته ز شاخ چنار
 چو عاشقان غمین برکشد خروش و فغان
 نه باغ را بشناسی ز کلبه عطار
 نه داغ را بشناسی ز مجلس سلطان
 یمین دولت، ابوالقاسم، آفتاب ملوک
 امین ملت محمود پادشاه زمان
 و از تخلصات نیکو انوری راست:

در باغ برکه رقص تموج نمی‌کند
 بیچاره برکه را چه دل رقص کردن است
 کز دست وی چو دشمن دستور مدتی است
 کز پای تا به سر همه در بند آهن است
 صدری که دایم از پی تفویض کار ملک
 خاک درش ملوک جهان را نشیمن است
 شریطه یا دعا

یکی دیگر از مختصات قصیده این است که غالباً در پایان قصیده یکی دو بیت به عنوان دعا یا شریطه می‌آورند «وجه تسمیه این دعای آخر قصیده به شریطه ظاهراً این است که چون یک معنی شرط، الزام به چیزی است و شاعر خود را ملزم دانسته است که در آخر قصیده به دعای ممدوح بپردازد از آن رو آن دعا را شریطه خوانده‌اند»

برای مثال از تغزل و تخلص و شریطه ابیاتی از یک قصیده قانئی شیرازی را نقل می‌کنیم:

تغزل:

ای ترک می فروش، ای ماه میگسار،
 بنشین و می بنوش، برخیز و می بیار
 راه خطا مرو، ترک عطا مکن
 بیخ وفا مکن، تخم جفا مکار
 بستان، بده، بنوش، بنشین بگو، بجوش
 چنندت زبان خموش، چنندت روان فگار
 پیش آر چنگ و نی، بردار جام می
 بفشان زچهره خوری و بنشان ز دل خمار
 تا آن جا که گوید.

دانش به پای طبع، بندی است آهین
 فکرت به راه نفس دامی است استوار
 نی نی ز عقل و هوش ما را گریز نیست
 کاین هر دو لازم است در مدح شهریار ← تخلص
 دیباچه مهی، فهرست فرهی
 عنوان آگهی، دیوان افتخار
 تا پایان قصیده و در پایان
 تا غنچه بشکفد در صحن بوستان
 تا لاله برمد از طرف جویبار
 بادا خلیل تو چون غنچه شادمان
 بادا عدوی تو، چون لاله داغدار ← شریطه

اکنون که ویژگیهای قصیده را بطور اختصار برشمردیم، همانطور که
 قبلاً اشاره شد در تاریخ شعر معاصر قصیده سرایان در قصاید خود کمتر

بدین ویژگیها توجه کرده‌اند و از همان آغاز قصیده وارد مطلب شده و شعر را به پایان برده‌اند، برای نمونه می‌توان به قصیده مشهور جغد جنگ ملک‌الشعرا بهار، قصیده «نگاه» دکتر رعدی آذرخشی و دهها قصیده از این دست اشاره کرد.

مجموعه‌ای که در پیش رو دارید وسیله‌ی شاعر ارجمند و صاحب نام جناب مرتضی نوربخش تدوین و به بازار شعر و ادب عرضه شده است شامل آثاری است از شاعران معاصر در قالب قصیده و در اوزان مختلف درباره‌ی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، امام راحل، پیامبرگرامی اسلام «ص»، واقعه‌ی کربلا، توحید، مولا علی «ع»، جنگ تحمیلی، شهادت، عید غدیر، نیمه‌ی شعبان و غیره. لازم به توضیح است که در اکثر این قصاید، شاعران، رها از قید و بند تکلف در قصاید دوره‌های پیش که به برخی از آنها اشاره کردیم، حرف دل خود را زده و از همان آغاز قصیده وارد مطلب مورد نظر شده‌اند و خواننده را به جای سرگردانی در پیچ و خم جاده‌های غبارآلود رازه‌های غیر لازم، مستقیم به سرچشمه‌ی زلال اندیشه و مقصود خود رهنمون شده‌اند ...

از خداوند بزرگ برای شاعر گرامی جناب مرتضی نوربخش که با حوصله و ذوق سرشار از احساس در انتخاب قصاید این مجموعه زحمات فوق‌العاده‌ای را متحمل شده‌اند توفیق روزافزون مسألت دارم.

مشفق کاشانی

بمنه و کرمه

مآخذ

برگرفته از کتاب ارجمند تحول شعر فارسی تألیف زین‌العابدین مؤتمن و نقد الشعر، تألیف نعمت‌الله ذکائی برضیانی. و بدیع و قافیه از استاد جلال‌الدین همائی.